

# تقویم خراجی



پروفیسر شاکر گل علم، نیشنل انسٹیٹیوٹ آف سٹڈیز

ریٹل جامع علوم انسانی

رضا عبداللہی

﴿ کردہ تاریخ ﴾



پښتونستان د علوم او انساني مطالعات فرېسنی  
پرتال جامع علوم انسانی

شیوه اجرای کیسه زردشتی، یعنی افزودن یکماه کامل در سال، در هر دوره ۱۲۰ ساله در ادوار اسلامی هرگز معمول نشد و در نتیجه نوروز، بزرگترین جشن ایرانی که همچنان آغاز دوره جمع آوری خراج (= افتتاح خراج) بشمار می آمد، در فصل مشخصی ثابت نبود. مؤدیان مالیاتی که معمولاً از زمین داران بودند<sup>۱</sup> و پرداخت مالیاتشان پس از برداشت محصولات کشاورزی بود، همواره در مورد تاریخ افتتاح خراج که پیش از برداشت محصول بود و هرگز در دوره ساسانیان به سبب اجرای کیسه چنین وضعی پیش نمی آمد، شکایت داشتند<sup>۲</sup>. بیرونی با استناد به گفته حمزه اصفهانی و ابوبکر صولی اظهار میدارد که موضوع برای اولین بار در دوران خلافت هشام بن عبدالملک (۱۲۵ - ۱۰۵ هجری قمری) بوسیله خالد قسری و سپس در زمان حکومت هارون الرشید (۱۹۳ - ۱۷۰ هجری قمری) بوسیله وزیر او، یحیی بن خالد برمکی و سپس متوکل (۲۴۷ - ۲۳۲ هجری قمری) مورد توجه قرار گرفت<sup>۳</sup>. این حکام و مسئولان شیوه

کبیسه گیری را در تقویم زردشتی قبل از اسلام مطالعه نمودند<sup>۴</sup> و با آنکه آنرا در جهت محاسبات خراج تا آنجائیکه مورد توجه مؤدیان مالیاتی بود مناسب تشخیص دادند، هیچیک از آنها نتوانستند در این زمینه کاری انجام دهند. هشام بن عبدالملک، خالد قسری را با استفاده

« انما النسئی زیادة فی الکفر یضل به الذین کفروا یحلونه عاما و یجر مونه

عاما لیواطؤعدة ما حرم الله فیحلوا ما حرم الله زین لهم سوء أعمالهم والله

لا یهدی القوم . لکافرین » ( آیه ۳۷ سوره التوبة ) از اجرای کبیسه

بازداشت. هنگامیکه یحیی بن خالد ترتیب به تأخیر انداختن نوروز

را برای مدت دو ماه داد، دشمنانش او را به تعصب در زردشتی گری

متهم ساختند روی ناچار از اجرای نظر خویش چشم پوشید<sup>۵</sup>. بنا به

روایت ابوریحان متوکل خلیفه عباسی در اواخر خلافت خویش به

ابراهیم بن عباس صولی فرمان داد تا مدت زمانی را که از اجرای

آخرین کبیسه گیری سپری شده است، محاسبه نماید و آنرا برای

استفاده به مؤدیان مالیاتی پیشنهاد نماید<sup>۶</sup>. منجم دربار متوکل مدت

زمانی را که از اجرای آخرین کبیسه منقضی شده بود، بجای اینکه از

اجرای آخرین کبیسه محاسبه نماید، بخطا از مبدأ تاریخ یزد گردی

محاسبه کرد و از آن روی به این نتیجه رسید که باید ۵۷ روز کبیسه

کرد، چه بگمان او با احتساب این ۵۷ روز نوروز به موقع اصلی

خود یعنی بهمان موضعی که هنگام احسرای کبیسه قراردادت باز.

می گشت<sup>۷</sup>. بدینگونه موضع جدید نوروز را برخی از مؤلفان، یازدهم ربیع الاول برابر با حزیران (= ژوئن) نوشته اند<sup>۸</sup>؛ اما تاریخ این واقعه (= ۲۴۳ هجری قمری) به روایت بیرونی<sup>۹</sup> با تاریخی که طبری برای آن ذکر میکند دو سال اختلاف دارد<sup>۱۰</sup>. تقی زاده مدعی است که از آنجائیکه ابراهیم بن عباس صولی که مسئول اجرای دستور خلیفه در مطالعه موضوع اصلاح تقویم بوده است، در سال ۲۴۳ در گذشته است، پذیرفتن تاریخی که طبری بعنوان تاریخ این اصلاح ذکر میکند، دشوار میشود<sup>۱۱</sup>. بنابه عقیده تقی زاده از آنجائیکه سال ۲۴۴ هجری قمری نوروز نداشت، فرمان خلیفه تنها در مورد آن نوروز ایرانی حمل میشد که در سال ۲۴۵ هجری قرار میگرفت.

بدینگونه سالی که تقی زاده تعیین میکند، درحقیقت با سالی که بیرونی نوشته است دو سال تفاوت دارد و از آنجائیکه طبری که تاریخ این اصلاح را ۲۴۵ هجری قمری نوشته است، شخصاً سال در گذشت ابراهیم بن عباس صولی را در سال ۲۴۳ نیز گزارش داده است<sup>۱۲</sup>، هیچ دلیلی بر درستی نظر مرحوم تقی زاده وجود ندارد<sup>۱۳</sup>.

تقی زاده در نوشته های خود ناربخهای دیگری را نیز که برای واقعه مسد، کسور محتمل میداندسته ذکر نموده<sup>۱۴</sup>، و عجب آنکه گفته بیرونی را در مورد کشته شدن متوکل و در نتیجه اجرا نکردن تدبیر تغییر موضع نوروز را - با آنکه خود در مواردی دیگر در نوشته های

خویش آورده<sup>۱۵</sup> - در این باره مورد توجه قرار نداد است. گذشته از گزارش بیرونی در آثار سابقه، گزارش مشابهی نیز در نسخه‌ای خلاصه شده از نوروزنامه<sup>۱۶</sup> از عدم اجرای تغییر موضع نوروز در زمان متوکل بدست داریم؛ در آن نسخه چنین میخوانیم:

«علیرغم اصرار وزیرش متوکل اجابت نکرد و هم بر آن جمله بماند تا بروزگر معتضد<sup>۱۷</sup>». شواهد دیگری نیز از شکایت مستمر مؤدیان مالیاتی پس از قتل متوکل در دست است که افتتاح خراج (= نوروز) را بسیار زود دانسته و تغییر آنرا درخواست میکرده‌اند.

مؤلف تاریخ قم میگوید: در دوران خلافت معتضد (۲۷۹ - ۲۵۹ هجری قمری) مؤدیان مالیاتی همان درخواست گذشته خود را دائر بر نامناسب بودن زمان افتتاح که خراج بسیار پیش از برداشت محصول بود، تکرار میگرداند<sup>۱۸</sup>.

معتضد در پاسخ به شکایت و التماس مؤدیان مالیاتی ترتیب اجرای دو ماه کیسه در سال زردشتی را داد. منجمان دربار معتضد در محاسبه، دوره‌ای که در آن کیسه اجرا نشده بود، مبدأ تاریخ مجوس (= سال مرگ یزدگرد سوم) را دانستند و در نتیجه مرتکب همان خطائی گشتند که منجمین دربار متوکل شده بودند<sup>۱۹</sup>. به نظر می‌رسد که این اشتباه که بوسیله بسیاری دیگر از مورخان و منجمان دوره‌های بعد نیز تکرار شده از اشتباه منجمان در فهم کیسه‌گیری زردشتی که

توسط موبدان زردشتی، قرون نخست اسلامی شرح داده شده ناشی گردید، باشد. موبدان زردشتی که برای پاسخ به سؤال متوکل در مورد شیوه کبسه گیری زردشتی و علت سیرقه‌رانی نوروز و در نتیجه فصل نامناسب نوروز، جمع آمده بودند در پاسخ خلیفه اظهار داشتند « ایرانیان معمولاً عادت به اجرای کبسه سالها داشتند، ولی چون اسلام ظهور کرد و پادشاهی و دین ما را نابود کرد، اجرای کبسه نیز متروک شد». <sup>۲۰</sup> این اظهارات و اظهاراتی مشابه، بعنوان اجرای کبسه در زمان سلطنت یزدگرد سوم آخرین پادشاه سلسله ساسانی تعبیر شده است. بدیهی است که علت اشتباه منجمان دربار معتضد که یازدهم حزبران، مبدأ تاریخ مجوسی را بخطا بعنوان موضع اصلی نوروز پذیرفته‌اند، همین مطلب بوده است. تاریخ نوروز معتضدی (یعنی موضع نوروز بترتیبی که معتضد معلوم کرده) را بسیاری از مورخان و منجمان با تقویم‌های مختلف، روز چهارشنبه اول خرداد ۲۴۶ یزدگردی (= ۱۳ ربیع الثانی سال ۲۸۲ هجری قمری، ۱۱ حزبران) <sup>۲۱</sup> تعیین کرده‌اند. این تاریخ مدلل میدارد که کبسه دو ماه در این سال، نخستین و تنها اصلاحی است که در این شیوه گاه شماری تا تاریخ ۲۸۲ هجری قمری (= ۸۹۵ میلادی) بعمل آمده است. عبارت دیگر: سخن بیرونی دائر بر اینست که با کشته شدن متوکل کبسه در زمان وی اجرا نشده است، کاملاً منطبق با حقیقت است. معتضد پس از تغییر موضع نجومی نوروز و روش کبسه‌ژولین را

اقتباس کرد : هر گاه که در تقویم ژولین سال کبیسه و ۳۶۶ روزه میشد، يك روزه پنج روزه که پس از پایان ماه آبان اضافه میشد، می افزودند.<sup>۲۲</sup>

علیرغم آنچه در بالا گذشت، تقی زاده معتقد است که گاه شماری که در قرون نخست اسلامی بمنظور گردآوری مالیات بکار میرفته است، يك گاه شماری قمری بوده<sup>۲۳</sup> که همین شیوه بعدها تقویم رسمی برای امور دیوی و دینی نیز شده است. به عقیده تقی زاده برای هماهنگی با سالیکه بر اساس آن مالیات را گردآوری میکردند (واو آن را «سال شمسی» مینامد) در هر ۳۳ یا ۳۴ سال قمری يك سال قمری را حذف مینمودند<sup>۲۴</sup> اما نه بیرونی و نه هیچیک از مورخان و منجمان مورد اعتماد، هیچگونه اشارتی به این گاه شماری نکرده اند. بنا به نقل قولیکه خود تقی زاده نموده است، مؤلف کتاب زیج اشرفی (تألیف در ۷۰۲ هجری قمری = ۱۳۰۲/۳ میلادی) و شرف الدین علی یزدی صاحب ظفرنامه (۸۲۸ هجری = ۱۴۲۴ میلادی) هر دو تاریخ تأسیس تقویم خراجی را در دوره متأخر ساسانیان قرار میدهند، ولی تقی زاده میگوید این دو مؤلف این تاریخ را قدری زودتر از تاریخ حقیقی آن قرار داده اند.<sup>۲۵</sup>

مرحوم تقی زاده از آن روی تاریخی را که این دو مؤلف تعیین نموده اند، نمی پذیرد که بنظری تقویم قمری اساساً رواج نداشته و بر این اساس نتیجه میگیرد که نیازی به شیوه مضاعف گاه شماری نیز نبوده است. این استدلال ناشی از عدم درک حقیقت تقویم خراجی از يك سو و عدم آشنائی با تقویم دوره متأخر سلسله ساسانیان از سوی



دیگر است. باید دانست که دو تقویم متفاوت یکی تقویم مذهبی (= وهیجیکک) و دیگری تقویم رسمی (= خراجی) در دوره متأخر ساسانیان رواج داشته است که تقویم اخیر ملاک گردآوری خراج بوده است و بعدها اعراب نیز آنرا بهمین منظور اقتباس کرده‌اند.<sup>۲۶</sup> به نظر می‌رسد هنگامیکه حجاج بن یوسف حاکم چهاراموی عراق دستور داد که نسبت به تغییر زبانی که با آن دفترهای دیوانی خراج نوشته میشد از فارسی به عربی اقدام کنند<sup>۲۷</sup>، شیوه گاه شماری این دفترها که ایرانی (= زردشتی) بوده است، بهمان صورت پیشین باقی مانده باشد. مؤلف زیج اشرافی که تقویم خراجی در زمان زندگانی وی رائج بوده است بشرح آن پرداخته می‌گوید « مردم و منجمین معتقدند که اقتباس تقویم خراجی به زمان خلافت خلیفه دوم عمر بن خطاب بر میگردد<sup>۲۸</sup> ».

تقی زاده همچنین با تاریخی که مختار پاشا و کینزل Ginzl برای تأسیس تقویم خراجی ذکر کرده و آنرا زمان خلافت الطائع لله عباسی (۳۸۱-۳۶۳ هجری قمری = ۹۹۱-۹۷۴ میلادی) دانسته‌اند، موافق نیست. در این باره به سندی مالیاتی که از دوره ای قبل از خلافت الطائع لله عباسی- که در تاریخ قم به آن اشاره شده است- استناد می‌کند و می‌گوید که: سال شمسی با نام خراجی (که منظور از حذف يك سال قمری در دوره های ۳۳ یا ۳۴ ساله قمری است که تأسیس آن را کینزل به دوره خلافت الطائع لله نسبت داده است) از قرنهای اول اسلامی مورد

استعمال بود، و شاید زمان برقراری آن مقارن با زمان حکومت عرب در عراق و ایران بوده باشد.<sup>۲۹</sup> در این سند هیچ تاریخی ذکر نشده است و تنها اشاره ای که به تقویم خراجی در آن رفته، ذکر عبارت « در این سال خراجی است » (= لهذه السنة الخراجية)<sup>۳۰</sup> .

با توجه به اشاره ای که در تاریخ قم به ماههای خراجی شده است (معمولاً ۹ یا ۱۰ ماه و گاهی ۱۱ تا ۱۲ ماه زردشتی)<sup>۳۱</sup>، به نظر میرسد که مقصود مؤلف تاریخ قم از سال خراجی دوره چند ماهه پرداخت مالیات بوده باشد و تقویمی که باین منظور بکار میرفته، تقویم زردشتی بوده است. (مؤلف تاریخ قم تأکید دارد که تقویم زردشتی بدون اجرای کیسه)<sup>۳۱</sup> .

تقی زاده در قسمت دوم همان مقاله در شرح تقویم معتضدی صریحاً اظهار میدارد که: تأخیر نوروز بوسیله معتضد بمنظور رفاه حال مؤدیان مالیاتی صورت گرفت و شیوه گاه شماری که بمنظور اخذ مالیات رواج داشته همان شیوه گاه شماری ایرانیان بسوده است.<sup>۳۲</sup> وی همچنین می افزاید که: نامهای ماهها و طول هر يك از آنها بهمان ترتیب سابق باقی ماند؛ تنها تغییری که داده شد آن بود که عدد روزهای اضافی که بآخر ماه هشتم سال (= آبان) می افزودند، هر چهار سال یکبار بجای پنج روز، شش روز گردید، این گاه شماری جدید مدت درازی در کار بود و شاید تا زمان اصلاح ملکشاهی رواج داشت.<sup>۳۳</sup> .

تقی زاده همچنین اظهار میدارد که: موعده مقرر برای حذف يك

سال قمری مقارن با خلافت متوکل و معتضد فرارسیده بود و این دو خلیفه طبق معمول اقدام به حذف یک سال قمری نمودند<sup>۳۴</sup> متأسفانه این اظهار اخیر تقی زاده نه فقط با قسمتهای دیگر مقاله اش تناقض دارد، شواهد و اسناد معتبر نیز آن را تأیید نمی نماید .

مبدأ تقویم خراجی بوسیله محمد بن ابی عبدالله سنجر کمالی مؤلف زیج اشرفی ۴۶۸ سال شمسی قبل از مبدأ تقویم جلالی تعیین شده است<sup>۳۵</sup> . با شمارش قهرائی ۴۶۸ سال ۳۶۵ روزه از مبدأ تاریخ جلالی (۱۵-مارس ۱۰۷۹ میلادی = ۹ رمضان ۴۷۱ هجری قمری = یکم فروردین ۴۵۸ هجری شمسی) ، مبدأ تقویم خراجی مطابق با سال ۶۱۱ میلادی که بیست و یکمین سال سلطنت خسرو دوم است ، میشود سال ۶۱۱ میلادی بعنوان مبدأ این تقویم با گزارش دیگری که همین مؤلف داده است نیز تأیید میگردد. وی مبدأ تاریخ خراجی را ۱۷۰۹۳۳ روز قبل از مبدأ تاریخ جلالی و یا ۳۷۱۴ سال و ۲۳۴ روز (۱۳۵۵۸۴۴ روز) بعد از مبدأ تاریخ طوفان تعیین میکند<sup>۳۶</sup> و پادشاهی را که مبدأ تقویم خراجی در دوران سلطنت او واقع میشود خسرو پرویز (= خسرو دوم) ( ۶۲۸ - ۵۹۰ میلادی ) می داند<sup>۳۷</sup> . مبدأ تقویم خراجی بوسیله همین مؤلف و مؤلف کتاب زیج مستح ۷۷۶۵ روز قبل از مبدأ تقویم یزدگردی و ۴۱۳۶ روز قبل از مبدأ تقویم هجری قمری یعنی بیست و یکمین سال سلطنت خسرو دوم تعیین شده است<sup>۳۸</sup> . از طرف دیگر

سال بیست و یکم سلطنت خسرو دوم قدیمترین تاریخی است که بر روی سکه‌های حکام عرب در ایران بعد از اسلام تا سال ۷۴ هجری قمری همانند سکه‌های خسرو دوم ضرب شده است<sup>۳۹</sup>. این حقیقت ممکن است بامبدأ تقویم خراجی که مقارن با سال بیست و یکم سلطنت خسرو دوم بوده است، بی‌ارتباط نباشد.

روایات دقیق مؤلف ذبیح‌اشرفی و ذبیح‌ممتحن دلالت بر این حقیقت دارند که: مبدأ تقویم خراجی نمیتواند جز سال بیست و یکم سلطنت خسرو دوم باشد و بر خلاف نظر آقای تقی‌زاده مبدأ تاریخ خراجی با مبدأ تاریخ هجری قمری نیز هیچگونه ارتباطی ندارد.

سال ۴۶۸ که مؤلف ذبیح‌اشرفی آنرا مبدأ تقویم جلالی میدانند بوسیله الغ بیک و منجمان و مورخان دیگر نیز بعنوان مبدأ تقویم جلالی ذکر شده است، اما این مورخان و منجمان این تاریخ را با واژه هجری و حتی نام‌ماه عربی مشخص کرده‌اند<sup>۴۱</sup>. از آنجائیکه مبدأ تقویم جلالی مقارن با ۴۷۱ هجری قمری بوده است، تردیدی باقی نمی‌ماند که منظور آنان از سال ۴۶۸ هجری قمری در کنار ۴۷۱ هجری قمری، سال ۴۶۸ خراجی از مبدأ سال ۶۱۱ میلادی بوده است. درستی سال بیست و یکم سلطنت خسرو دوم و مبدأ تقویم خراجی و همچنین سال ۴۶۸ خراجی را که مطابق با مبدأ تاریخ جلالی است، ممکنست با استفاده از تاریخ معادل هجری قمری که در کنار تاریخ‌های

خراجی بوسیله مورخان و منجمان ثبت شده است، از طریق ریاضی هم به اثبات رساند<sup>۴۰</sup>.

با وجود اینکه تعداد معدودی از مؤلفان قبل از دوره مغول تاریخ وقوع حوادث زمان خود را با تاریخهای از تقویم خراجی و گاه با تاریخ معادل آن از تقویم هجری قمری ثبت کرده‌اند این تعداد تاریخ برای تعیین اصول اصلی تقویم خراجی کافی است و نتیجه‌ایکه بدست می‌آید با آنچه تقی‌زاده در مورد این تقویم ادعا میکند کاملاً مغایرت دارد. صورت کاملی از تاریخهاییکه با تقویم خراجی بوسیله مورخان و منجمان مختلف ثبت شده‌است، با تاریخ معادل آنها از تقویم‌های دیگر در جدول شماره ۱ ذکر شده است.

تاریخهای خراجی که در جدول ثبت شده است بوضوح نشان میدهد که اگرچه این تاریخها بوسیله واژه خراجی در منابع اصلی مشخص شده، همه آنها دارای طبیعت واحدی نیستند. فاصله بین دو تاریخیکه در پایان جدول نوشته شده‌است (شماره‌های ۱۶ و ۱۵) اگر از اول فروردین ۶۹۲ خراجی تا سیزدهم خرداد ۶۹۳ خراجی با تعداد روز شمارش شوند ۴۳۸ روز میشود، در حالیکه اگر فاصله بین دو تاریخ معادل آنها که در همان منابع با تاریخ هجری قمری مشخص شده شمرده شود، ۳۶۵ روز میشود. اگر مؤلفی که این تاریخها را ثبت کرده است دچار اشتباه نشده باشد که تصور نمیرود - این بدین معنی است که تاریخ ماه

سال خراجی (اول فروردین) معادل باهین ماه در تقویم جلالی که در ستون چهارم جدول ثبت شده است، میشود. این استنتاج با گزارشی که مؤلف زیج‌ممتحن داده است، تأیید میشود. مؤلف زیج‌ممتحن اظهار میدارد که ماههای تقویم خراجی با ماههای تقویم ایرانی یکسان است و آغاز سال تقویم خراجی نیز مقارن با ورود خورشید به برج حمل میباشد.<sup>۴۲</sup>

تاریخ روز اول ماه تقویم خراجی و تقویم جلالی که بوسیله مؤلف زیج‌ممتحن مقارن با اول فروردین ۶۹۳ تعیین شده است<sup>۴۳</sup>، بر آن دلالت میکند که این دو تقویم جز در تاریخ مبدأ که ۴۶۸ سال ۳۶۵ روزه بایکدیگر فاصله دارند، در سایر موارد موازی یکدیگرند.

بنابه روایت مؤلف زیج‌ممتحن هر یک از ماههای سال تقویم خراجی مانند تقویم جلالی ۳۰ روزه بوده و پنج روز اضافی پس از پایان دوازدهمین ماه (= اسفند) افزوده میشده است.<sup>۴۴</sup> اگرچه بنابه روایت این منجم‌سالهای خراجی هر چهار سال یکبار کیسه میشده‌اند (۳۶۶ روزه) تقارن آغاز سال‌های ۶۹۳ و ۶۹۲ خراجی و جلالی بایکدیگر دلالت بر آن دارد که در هر دو تقویم اجرای کیسه تابع يك قانون واحد بوده است. بدینگونه نتیجه میگیریم که تاریخ خراجی که بوسیله و صاف ذکر شده است و همچنین تاریخ ردیف ۱۵ در جدول از سنخ تاریخهایی است که پیش از این شرح داده شد و با تاریخهایی که مؤلف زیج‌اشرفی (ردیف ۱۶) ذکر کرده است متفاوت است.

اگر تصور شود که تاریخی که در ردیف ۱۵ جدول ، ستون بنجم (۱۳ خردادماه ) که مقارن یکم فروردین ماه تاریخ جلالی است (ردیف ۱۵ ، ستون ۵) از سنخ تاریخهای تقویم یزدگردی است فاصله بین تاریخهای ردیف ۱۵ و ۱۶ ، ۳۶۵ روز میشود و این تعداد روز برابر با فاصله دو تاریخ معادل این دو تاریخ (ستون ۳ ، ردیف های ۱۶ و ۱۵) با تقویم هجری قمری خواهد بود. این بدین معنی است که تقویم خراجی که بنا به روایت مؤلف زیج اشرفی در فارس رواج داشته است به استثنای مبدأ آن که مقارن با بیست و یکمین سال سلطنت خسرو دوم بوده است در مورد ترتیب و طول ماهها با ترتیب و طول ماههای یزدگردی مطابق بوده است . این تقویم باید همان تقویم اصلی خراجی بوده باشد که از اوائل دوره اسلامی و حتی قبل از آن رواج داشته است در صورتیکه تقویمی که با تقویم جلالی با استثنای مبدأ آن موازی و یکسان بوده است میباید پس از اصلاح تقویم جلالی بوجود آمده باشد .

با وجود اینکه هیچ تردیدی در مورد رواج دو نوع تقویم مختلف خراجی نمی تواند وجود داشته باشد هنوز مشکلاتی در باره تاریخهای آنیکه از تاریخ سلجوقیان کرمان اثر محمد بن ابراهیم بدست آمده است و اکثریت تاریخهای جدول را تشکیل میدهد ، وجود دارد . ماهیت تقویمی که بوسیله این مؤلف در تاریخگذاری حوادث بکار رفته است ناشناخته است و تاریخ معادل هجری قمری این تاریخها که همچنین بوسیله همین

مؤلف ثبت شده است ، بر آن دلالت دارد که اکثریت تاریخهای خراجی غلط ثبت شده اند. تا آنجائیکه از روی فاصله این تاریخها با در نظر گرفتن تاریخهای هجری قمری معادل آنها که در تاریخ سلجوقیان کرمان ثبت شده است میتوان بر پایه محاسبه استنباط کرد ، محقق میشود که مبدأ این تقویم از همان سال بیست و یکم سلطنت خسرو دوم (۶۱۱ میلادی) گرفته شده است ولی از آنجائیکه همه تاریخها صحیح نیستند سایر ارکان اصلی تقویم را نمی توان مشخص کرد . فرضیه ای که تقی زاده پیشنهاد کرده است دائر بر حذف يك سال قمری در مواردیکه سال قمری با سال شمسی تطبیق نمی کند ، با تاریخهای تاریخ سلجوقیان کرمان وفق نمی دهد ، ولی روش مشابهی که اصول آن حذف يك سال قمری بوده است در دوره مغول رواج نسبی داشته است <sup>۴۵</sup> .



**جدول :** تاریخهای خراجی و معادل هجری قمری آنها که از منابع مختلف گردآوری شده است. تاریخ معادل مسیحی و هجری شمسی و یزدگردی از معادل هجری قمری آنها برای دقیق‌تر نشان دادن تاریخ روزماه، ماه و سال با محاسبه غیر مستقیم بدست آمده است. (تاریخ معادل جلالی در ستون پنجم با کسر ۴۵۷ سال بدست می‌آید).

شماره	خراجی	هجری قمری	مسیحی	هجری شمسی	یزدگردی
۱	یکم فروردین				
۲	۴۶۸	۴۷۱، نهم رمضان	۱۵۰۷۹، ۱۵ مارس	۱۴۵۸، یکم فروردین	۱۹۰۴۴۸ فروردین
۳	۱۹ فروردین				
۴	۵۴۴ اسفند	۱۶۰۵۱۱ جمادی الاول (۱)	۱۱۵۶، ششم جولای	۵۲۵، ۲۶ تیر	۵۲۵، یکم شهریور
۵	۱۵۵۸ اسفند	۵۶۶ (۲)			
۶	۵۶۲	۵۶۹ (۳)			
۷	۵۶۶ اردیبهشت	۵۷۲، یکم رمضان (۴)	۱۱۷۷، سوم مارس	۲۵۰۵۵۵ اسفند	۵۴۶، یکم اردیبهشت
۸	۵۷۲، یکم تیرماه	۵۷۹ (۵)			
۹	۵۷۳	۵۸۰ (۶)			
۱۰	۵۷۴	۵۸۱ (۷)			
۱۱	۵۷۷، تیرماه	۵۸۵ (۸)			
۱۲	۵۸۶، خرداد	۵۹۲ (۹)			
۱۳	۵۹۴، خرداد	۶۰۰، یکم رمضان (۱۰)	۱۲۰۴، سوم می	۱۱۰۵۸۲ اردیبهشت	۵۷۳، نهم تیر
۱۴	۲۴ خرداد	۶۰۰، سوم شوال (۱۱)			
۱۵	۱۵۰۵۹۵، خرداد	۶۰۱، هفتم رمضان (۱۲)	۱۲۰۵، ۲۸ آوریل	۱۶۰۵۸۴ اردیبهشت	۴۰۵۷۴، تیر
۱۶	۵۹۷، دوم بهمن	۶۰۴، جمادی الثانی (۱۳)			

شماره	خراجی	هجری قمری	مسیحی	هجری شمسی	یزدگردی
۱۷	یکم فروردین ۶۹۲	۱۲، ۷۰۱ رجب (۱۴)	۱۳، ۱۳۰۲ مارس	یکم فروردین ۶۸۱	۱۲، ۶۷۲ خرداد
۱۸	۱۳، ۶۹۳ خرداد	۲۳، ۷۰۲ رجب (۱۵)	۱۴، ۱۳۰۳ مارس	یکم فروردین ۶۸۲	۱۳، ۶۷۳ خرداد

۱- محمد بن ابراهیم: تاریخ سلجوقیان کرمان، بکوشش هوتسما، لیدن

۱۸۸۶، ص ۳۴.

۲- همان، ص ۴۸.

۳- همان، ص ۶۵.

۴- همان، ص ۹۲.

۵- همان، ص ۱۲۱، نام‌های خراجی بصورت هرمن نوشته شده است.

۶- همان، ص ۱۲۴.

۷- همان، ص ۱۳۰.

۸- همان، ص ۱۵۰.

۹- همان، ص ۱۶۷.

۱۰- همان، ص ۱۹۲.

۱۱- همان، ص ۱۹۵.

۱۲- همان ص ۱۹۶؛ با وجود اینکه این تاریخ با واژه خراجی مشخص

نشده است، مطمئناً با سایر تاریخ‌هایی که از همین مؤلف نقل شده است، طبیعت

مشابهی دارد. تاریخ ردیف سیزدهم که از تاریخ سلجوقیان کرمان نقل شده

است در لغت نامه دهخدا در ماده خراجی نقل گردیده است و لسی متأسفانه

تاریخ‌هایی که در این ماده در لغت نامه آمده غلط رونویسی شده است.

۱۳- ابو جعفر محمد بن حاسب الطبری: زیج مفرد، نسخه خطی کتابخانه

کهبریج، به نشان (10) 0.1، ورق ۷۷؛ همچنین نگاه کنید به تقی‌زاده:

بیست مقاله ص ۱۷۳.

۱۴- تقی‌زاده: بیست مقاله، به نقل از و صاف، ص ۱۷۳.

۱۵- محمد بن ابی عبدالله سنجر کمالسی : زیچ اشرفی ، نسخه خطی

کتابخانه ملی پاریس ، به نشان Paris 1488 اوراق ۱۱ - ب ۱۰ .  
الف  
ب

یادداشت‌ها :

1- Zarrinkúb : The Arab Conquest of Iran and its Aftermath , The Combridge History of Iran , Vol.4, ed. R.N . Frye , Cambridge University Press , 1975 , pp. 44 - 45 .

2- Bírúní : Athâr-ul Bâkiya (Vestiges of the Past) , traslated as The Chronology of Ancient Nations , by E.C. Sachau, London, 1879, p.36 ;

از این بعد [1879] Bírúní اشاره بهمین مأخذ دارد .

همچنین نگاه کنید به ترجمه فارسی آثار الباقیه ، ص ۵۱ ؛ کتاب آثار الباقیه اثر بیرونی بوسیله آقای اکبر دانا سرشت تحت عنوان ترجمه آثار الباقیه از روی نسخه عربی بفارسی ترجمه شده است و از این بعد بیرونی : ترجمه آثار الباقیه، اشاره به چاپ دوم همین کتاب است ؛ همچنین نگاه کنید به حسن بن محمد ابن حسن قمی : تاریخ قم ، تهران ۱۳۱۳ هجری شمسی ، صص ۱۰ بعد ؛ از این بعد حسن بن محمد : تاریخ قم، اشاره بهمین مأخذ دارد .

۳- همان ، همچنین نگاه کنید به محیط طباطبائی : نوروز ثابت و سیار،

گوهر، جلد ۳ ، ۱۳۵۴ هجری شمسی ، صص ۱۰ بعد .

4- Bírúní [1879] : pp.36-37;

بیرونی : ترجمه آثار الباقیه ، ص ۵۲ .

5- Bírúní [1879] : p.37 ;

بیرونی: ترجمه آثار الباقیه ، ص ۵۲؛ همچنین نگاه کنید به تقی زاده : گاه شماری در ایران باستان ، تهران ۱۳۱۷ هجری شمسی ، ص ۱۵۶ ؛ از این بعد

تقی‌زاده : گاه‌شماری اشاره بهمین مأخذ دارد .

۶- همان

7- Bírúní [1879] : pp. 37-38 ;

بیرونی : ترجمه آثارالباقیه ، صص ۵۳-۵۲ .

۸- رجوع کنید به همائی : تساریخ ادبیات ایران از قدیم‌ترین عصر تاریخی تا عصر حاضر ، تهران ۱۳۴۰ هجری شمسی ، صص ۳۷۳-۳۷۴ پاورقی ۲ ، ۳۹۷-۳۹۵ ؛ از این بعد همائی : تاریخ ادبیات ، اشاره بهمین مأخذ دارد ؛ مینوی : نوروزنامه ، تهران ۱۳۱۳ هجری شمسی ، ص ۸۸ ؛ مقایسه کنید با محیط طباطبائی : احقاق حق خازنی مظلوم ، گوهر، جلد اول ، ۱۳۵۲ هجری شمسی ، ص ۶۸۵ .

9- Bírúní [1879] : p. 37 ;

بیرونی : ترجمه آثارالباقیه : ص ۵۲ ؛ مقایسه کنید با بهروز : تقویم و تاریخ در ایران از رصد زردشت تا رصد خیام ، تهران ۱۳۳۱ هجری شمسی ، صص ۶۶-۶۹ ؛ برای بی‌اعتباری اظهارات بهروز مراجعه کنید به مینوی : تاریخ و فرهنگ ، تهران ۱۳۵۲ ، صص ۵۵۴-۵۴۷ ؛ افشار: درگذشت ذبیح بهروز ، راهنمای کتاب ، جلد ۱۷ ، شماره‌های ۳-۱ ، ۱۳۵۲ ، صص ۱۹۶-۱۹۲ .  
۱۰- طبری : تاریخ طبری ، ترجمه ابوالقاسم پاینده ، تهران ۱۳۵۴-۱۳۵۲ ، ص ۶۰۶۹ .

11- Taqízádeh : Various Eras and Calendars used in Countries of Islam , B. S. O. A. S. Vol , q. 1937 - 1939 , p. 909 ;

از این بعد [1937 - 1939] Taqízádeh اشاره بهمین مأخذ دارد . همچنین نگاه کنید به ترجمه فارسی این مقاله ، ص ۱۶۹ ، کتاب بیست مقاله تقی‌زاده ، ترجمه احمد آرام ، تهران ۱۳۴۶ هجری شمسی ؛ از این بعد تقی‌زاده : بیست مقاله اشاره بهمین مأخذ دارد .

۱۲- طبری: تاریخ طبری، ص ۶۰۵۹؛ تاریخ درگذشت ابراهیم ابن عباس بوسیله طبری در شعبان ۲۴۳ ذکر شده است.

13- Taqízádeh [1939] : p. 908 ;

تقی زاده: بیست مقاله، ص ۱۶۹.

14- Taqízádeh : Various Eras and Calendars used in Countries of Islam (2) , B.S.O.A.S. Vol.10, 1940-1942, p.131;

از این بعد [1940 - 1942] Taqízádeh اشاره بهمین مأخذ دارد؛ همچنین نگاه کنید به تقی زاده: گاه شماری، صص ۱۵۷-۱۵۶؛ تقی زاده: بیست مقاله، ص ۲۲۶؛ مقالات تقی زاده، جلد اول، تهران ۱۳۴۹، صص ۱۹۱-۱۹۵.

15- Taqízádeh [1940 - 1942] : p.131 ;

تقی زاده: گاه شماری، صص ۱۵۷-۱۵۶؛ تقی زاده: بیست مقاله، صص ۲۲۶.

۱۶- خلاصه ایست از کتاب روضة المنجمین تألیف شهرمدان بن ابی الخیر الف الف که صفحات پایانی آن، اوراق ۱۰۱-۸۶ خلاصه ای از کتاب نوروزنامه در آن نوشته شده است، مراجعه کنید به نسخه خطی موزه بریتانیا، به نشان Add.22,565.

۱۷- همان: ورق ۸۹.

۱۸- حسن بن محمد: تاریخ قم، صص ۱۴۶-۱۴۵؛ همچنین نگاه کنید به مسعودی: مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد دوم، تهران ۱۳۴۷ هجری شمسی: ص ۶۶۴، مینوی: نوروزنامه ص ۸۸؛

Spuler : Irsn in Früh - islamischer Zeit ,

Wiesbaden 1952, p.483 .

19- Bírúní [1879] : p. 33 ;

بیرونی: ترجمه آنا. الباقیه، ص ۵۴.

20- Bickerman : The Zoroastrian Calendar ,

Archive Orientalni , Vol. 35,1967, P. 303 ; Boyce : On the Calendar of the Zoroastrian, B. S. O.A. S. Vol . 33, 1970, p.528 .

۲۱- طبری : تاریخ طبری، صص ۶۶۵۹ - ۶۶۵۸ ، ۶۶۷۳ ؛ مسعودی : مروج الذهب ، جلد دوم ، ص ۶۶۴ ؛ حمزة اصفهانی : تاریخ پیامبران و شاهان ، ترجمه جعفر شعار ، تهران ۱۳۴۶ ، ص ۳ ؛ بیرونی : الفهیم ، تهران ۱۳۱۸-۱۳۱۶ هجری شمسی ، ص ۲۷۱ ؛ بیرونی : ترجمه آثار الباقیه ، ص ۳۵۸ ؛

Biruni : The Book of Instruction in the Elements of the Arts of Astrology , London, 1934, p.186 ; Biruni [1879] : P. 258 .

22- Biruni [1879] : p. 81 ;

بیرونی : ترجمه آثار الباقیه ، ص ۱۰۳ .

23- Taqizadeh [1937 - 1939] : pp. 905 - 909,910;

تقی زاده : بیست مقاله ، صص ۱۷۰-۱۶۴ ، ۱۷۱ .

24- Taqizadeh [1937 - 1939] : p. 907 ;

تقی زاده : بیست مقاله ، صص ۱۶۶-۱۶۴ .

25- Taqizadeh [1937 - 1939] : p. 907 ;

تقی زاده : بیست مقاله ، ص ۱۶۶ .

26- Spuler : Iran in Früh - islamischer Zeit , p. 441; Ibn al-Nadim : Kitáb al-Fihrist, ed. and transl. Bayard Dodge, New York/ London, 1970, p. 58/n 37 ;

بهار : سبک شناسی ، جلد اول ، تهران ۱۳۲۱ ، صص ۲۲۷-۲۲۸ .

27- Ibn al-Nadim : Kitáb al-Fihrist, pp. 531-583;

ابن ندیم : انقهرست ، ترجمه رضا تجدد ، چاپ دوم ، تهران ۱۳۴۶ ، صص ۴۴۳-۴۴۲ ؛ بلاذری : فتوح البلدان ، ترجمه آذرنوش ، تهران ۱۳۴۶ ، صص ۱۰۸ ؛ بعد ؛ همائی : تاریخ ادبیات ، صص ۳۶۱، ۱۵۶ - ۳۵۶ ؛ زرین کوب : تاریخ ایران بعد از اسلام، جلد اول ، تهران ۱۳۴۳ ، صص ۴۴۶ ؛ بهار: سبک‌شناسی ، جلد اول ، صص ۲۲۸ .

۲۸- محمد بن ابی عبدالله سنجر کمالی: زیج اشرفی ، نسخه خطی کتابخانه ملی پاریس ، به نشان ، Paris 1488 ، اوراق ۳ .  
الف

29- Taqízádeh : [1937 - 1939] , p 907 ; Ginzel ,  
Handbuch der mathematischen und technischen  
chronologie , Leipzig, 1906, Vol. 1: p. 295 ; Vollers :  
Calendar (Muslim) , Encyclopaedia of Religion  
and Ethics, ed. J. Hastings, Vol. 3, Edinburgh, 1910  
p. 127 ;

مقایسه کنید با تقی زاده : گاه‌شماری ، صص ۱۶۲ .

۳۰- حسن بن محمد : تاریخ قم ، صص ۱۵۳-۱۴۹ .

۳۱- همان ، صص ۱۴۴ .

32- Taqízádeh : [1940 - 1942] : p. 131 ;

تقی زاده : بیست مقاله ، صص ۲۲۶-۲۲۵ .

۳۳- همان

34- Taqízádeh [1937 - 1939] : p. 910;

تقی زاده : بیست مقاله ، صص ۱۷۹ ؛ مقایسه کنید با تقی زاده : گاه‌شماری ،

صص ۱۵۹ .

الف

۳۵- محمد بن ابی عبدالله سنجر کمالی : زیج اشرفی ، ورق ۱۰ .  
ب الف

۳۶- همان ، اوراق ۳، ۱۰ .

ب

۳۷- همان ، ورق ۳ .

## الف

۳۸- همان ، ورق ۱۰ ؛ محمد بن ابی بکر الفارسی : زیچ ممتحن ، نسخهٔ خطی کتابخانه کمبریج ، به نشان 3-27 (g. 3) ، ورق ۷ .

39- Walker : A Catalogue of the Muhammadan - Coins in the British Museum ، Arab - Sasanian Coins, Vol. 1, London, 1941, p. xxxvi ;

همچنین نگاه کنید به زرین کوب : تاریخ ایران بعد از اسلام ، جلد اول، تهران ۱۳۴۳ ، ص ۹۱ .

۴۰- محمد بن ابی عبدالله سنجر کمالی مؤلف کتاب زیچ اشرفی ، اوراق

۱۱-۱۰ ، نه فقط فاصلهٔ بین مبدأ تقویم خراجی و مبدأ تقویم‌های سلوکی ، هجری قمری و جلالی را تعیین میکند بلکه بشیوه‌ای مستدل استدلال مینماید که مبدأ این تقویم مقارن با سلطنت خسرو دوم بوده است .

۴۱- نگاه کنید به الخ یك : زیچ الخ یك ، تحشیه و تصحیح سدیو ، پاریس ۱۸۴۷ ، ص ص ۳۱۰-۳۰۹ ؛ زیچ جدید سلطانی ، نسخهٔ تجدید نظر شدهٔ زیچ الخ یك ، نسخهٔ خطی کتابخانهٔ هند ، به نشان Ethé 2233 پشت جلد ؛ بیرجندی : شرح زیچ جدید سلطانی ، نسخهٔ خطی کتابخانهٔ هند ، به نشان ، Ethé 2237 ، ورق ۲۳ ؛ همچنین نگاه کنید به همائی : تاریخ ادبیات ، ص ۲۴۲ پاورقی ۱ ؛ تقی‌زاده : بیست مقاله ، ص ص ۱۹۲ بعد .

۴۲- محمد بن ابی بکر الفارسی : زیچ ممتحن ، ورق ۵ .

۴۳- محمد بن ابی عبدالله سنجر کمالی : زیچ اشرفی ، ورق ۱۰ .

۴۴- محمد بن ابی بکر الفارسی : زیچ ممتحن ، اوراق ۶ - ۵ .

۴۵- نگاه کنید به بناکتی : تاریخ بناکتی ، بکوشش ، جعفر شعار ، تهران

۱۳۴۸ ، ص ۲۶ .